



بررسی صفت‌های چندجزئی با درون‌داد نحوی در زبان فارسی بر مبنای دستور نقش‌گرای هلیدی

عارفه نظام‌آبادی^۱

فریبا قطره^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی، توصیف و طبقه‌بندی ساختاری و معنایی آن گروه از صفت‌های چندجزئی در فارسی معیار می‌پردازد، که درون‌داد آنها یک سازه نحوی مانند گروه یا بند است، و در ساختمان آنها دست‌کم ۳ واژه وجود دارد که یکی از آنها سازه فعل است که به صورت ستاک حال، ستاک امر، یا ستاک گذشته دیده می‌شود. برای این منظور داده‌هایی که از میان مکالمه‌های روزمره فارسی‌زبانان، برنامه‌های صداوسیما، وبلاگ‌ها، وبگاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی گردآوری شده‌اند مورد بررسی قرار گرفتند، و انواع فرایندهای موجود در این صفت‌ها بر اساس دستور نقش‌گرای سازگانی هلیدی و از منظر فرانقش تجربی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که در بیشتر این صفت‌ها، فرایند مادی حضور دارد، که همراه با شرکت‌کننده «هدف» به تنهایی، و یا در کنار شرکت‌کننده دیگر و یا عنصر پیرامونی، ساختار صفت را تشکیل داده است. در هیچ کدام از این صفت‌ها فرایندهای رابطه‌ای و رفتاری مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: صفت مرکب چندجزئی، ترکیب، دستور نقش‌گرای سازگانی، فرانقش تجربی، فرایند مادی، شرکت‌کننده، هدف، عنصر پیرامونی

✉ rfh.nezamabadi@gmail.com

۱- کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)

✉ f.ghatreh@alzahra.ac.ir

۲- استادیار زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)

مقدمه

واژه‌سازی یکی از مهم‌ترین ابزارهای پویایی زبان است. امکانات مختلفی برای واژه‌سازی در اختیار سخنوران هر زبان وجود دارد. برون‌داد فرایند واژه‌سازی می‌تواند متعلق به طبقه‌های واژگانی مختلف از جمله اسم، فعل و صفت باشد. در این میان صفت یکی از مقوله‌های واژگانی اصلی در زبان فارسی است که از دیرباز مورد توجه دستورنویسان و پژوهشگران بوده است. بررسی صفت از نظر عملکرد، نقش‌ها، خصوصیات صرفی و نحوی و معنایی از جمله تلاش‌های انجام‌گرفته در راه شناخت این مقوله در زبان فارسی است، اما در این میان کمتر به انواع خاص صفت مانند صفت مرکب از دیدگاه صرفی و معنایی پرداخته شده است. این پژوهش تلاشی است در جهت شناخت ویژگی‌های صرفی و معنایی صفت‌های مرکب فارسی که ساختار آنها از دو جزء بیشتر است و یکی از اجزای سازنده آنها فعل است، مانند «دست‌ازجان‌شسته»، «زبافتاده»، و «به‌دردبخور». با توجه به این فرض که درون‌داد این صفت‌ها یک سازه نحوی (گروه یا بند) است، آنها را صفت‌های چندجزئی با درون‌داد نحوی نامیده‌ایم. داده‌های پژوهش حاضر از میان مکالمه‌های روزمره‌ی فارسی‌زبانان، برنامه‌های صداوسیما، وبلاگ‌ها، وبگاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی گردآوری شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا صفت‌های مرکب چندجزئی از جمله‌های جمع‌آوری شده استخراج شده و سپس به بررسی ساختاری و ارائه الگوهای واژه‌سازی موجود در آنها پرداخته شده است. در ادامه نیز فرایندهای موجود در این صفت‌ها در چارچوب دستور نقش‌گرای سازگانی^۲ هلیدی^۳ مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتنی است اگرچه پژوهش‌های گوناگونی در چارچوب نقش‌گرایی هلیدی در زبان فارسی انجام شده است، اما تمام آنها به بررسی سازه‌های نحوی (بند و جمله) اختصاص داشته‌اند و تاکنون ساختار واژه‌ها از این منظر مورد بررسی قرار نگرفته است. برای نمونه خدردی (۱۳۹۱) به بررسی شماری از فعل‌های گروهی به‌کار رفته در گفتار روزمره و دسته‌بندی آنها بر اساس انگاره هلیدی پرداخته است. قمرزاده و صنعتی (۱۳۹۶) نیز گروه اسمی مفعولی در زبان فارسی را از منظر دستور نقش‌گرای هلیدی بررسی کرده‌اند. در ادامه و پیش از بررسی و تحلیل داده‌ها به معرفی کوتاهی از دستور نقش‌گرای سازگانی می‌پردازیم.

دستور نقش‌گرای سازگانی

دستور نقش‌گرای سازگانی هلیدی، رویکردی نقشی - معنایی به زبان است که چگونگی کاربرد زبان توسط گویشوران و نحوه سازمان‌بندی آن برای استفاده به‌عنوان یک نظام نشانه‌ای را نشان می‌دهد (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۱۶). این رویکرد مبتنی بر دو مفهوم پایه است که عبارتند از نظام^۴ و نقش^۵. در نگاه هلیدی

1. clause

2. Systemic Functional Grammar

3. M. A. K. Halliday

۴. لازم به توضیح است که مهاجر و نبوی «سیستم» را به عنوان معادل برای واژه‌ی system به‌کار برده‌اند.

5. function

بخش‌های بنیادین معنا در زبان بخش‌هایی نقشی و کارکردی‌اند، و فرانش^۱ نامیده می‌شوند. همهٔ زبان‌ها حول دو محور عمدهٔ معنایی یعنی معنای تجربی^۲ یا بازتابی^۳ و معنای بینافردی^۴ یا کنشی^۵ شکل گرفته‌اند. این بخش‌های بنیادین در نظام زبان نمود دو هدف عام کاربرد زبان‌اند که عبارتند از فهم محیط و تعامل با افراد در آن محیط. بخش بنیادین دیگری نیز این دو بخش را همراهی می‌کند و آن بخش متنی^۶ است که دو بخش دیگر را با یافت پیوند می‌زند (همان: ۱۸). بنابراین سه فرانش ذاتی زبان عبارتند از فرانش تجربی^۷، فرانش بینافردی^۸، و فرانش متنی^۹ (هلیدی و متیسن^{۱۰}، ۲۰۱۴: ۳۰).

از آنجایی‌که پژوهش حاضر به بررسی صفت‌های مرکب چندجزئی از منظر فرانش تجربی اختصاص دارد، در بخش بعد به معرفی بیشتر این فرانش پرداخته می‌شود.

فرانش تجربی

از منظر فرانش تجربی، زبان ابزاری برای بازنمایی الگوهای تجربه است و انسان را قادر می‌سازد از واقعیت تصویری ذهنی بسازد که به او در درک آنچه پیرامون و درون او روی می‌دهد، یاری رساند. قوی‌ترین دریافت ما از واقعیت شامل آن چیزی است که در جریان است، که شامل انجام عملی، وقوع اتفاقی، داشتن احساسی و یا وجود داشتن است که هر کدام در قالب یک فرانش^{۱۱} مشخص نمود می‌یابد (هلیدی، ۱۹۸۵: ۱۰۱).

هر فرانش به صورت بالقوه از سه جزء تشکیل شده است که عبارتند از خود فرانش (که ناظر بر یک رخداد، کنش، حالت، فرانش احساسی، گفتاری یا وجودی است)، شرکت‌کننده‌های^{۱۲} فرانش (که عناصر دست‌اندرکار فرانش را در بر می‌گیرند و حول محور فرانش عمل می‌کنند)، و عناصر پیرامونی^{۱۳} فرانش (که زمان، مکان، شیوهٔ عمل، وسایل و اسباب و شرایط فرانش را رقم می‌زنند). مفاهیم فرانش، شرکت‌کننده و عناصر پیرامونی طبقه‌بندی‌هایی معنایی‌اند که در کلی‌ترین شکل، چگونگی نمود یک پدیده‌ی واقعی را در قالب ساخت‌های زبانی نشان می‌دهند (همان: ۱۰۲).

1. metafunction
2. experiential meaning
3. reflective
4. interpersonal meaning
5. active
6. textual
7. experiential metafunction
8. interpersonal metafunction
9. textual metafunction
10. C. Matthiessen
11. process
12. participants
13. circumstantial elements

انواع فرایند

هلیدی فرایندها را در دو گروه کلی فرایندهای اصلی و فرایندهای فرعی جای می‌دهد، که در هر گروه سه فرایند قرار دارد. سه فرایند اصلی عبارتند از فرایند مادی^۱، فرایند ذهنی^۲ و فرایند رابطه‌ای^۳؛ و سه فرایند فرعی نیز عبارتند از فرایند رفتاری^۴، فرایند کلامی^۵ و فرایند وجودی^۶.

فرایندهای اصلی

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، سه فرایند اصلی عبارتند از فرایندهای مادی، ذهنی، رابطه‌ای. فرایند مادی فرایندی است که بر انجام کاری یا رخداد واقعه‌ای دلالت دارد، که طی آن کسی یا چیزی کاری را انجام می‌دهد که ممکن است کسی یا چیزی دیگر از این کار متأثر شود یا نشود، و این کار می‌تواند فیزیکی باشد، مانند «دویدن» و یا غیرفیزیکی باشد، مانند «پذیرفتن». فعل‌های این فرایند به تناسب معنایشان بسته به اینکه عمل آنها از یک شرکت‌کننده به شرکت‌کننده‌ای گذر کند یا نه، می‌توانند گذرا^۷ یا ناگذر^۸ باشند؛ بنابراین، این فرایند می‌تواند دارای یک یا دو شرکت‌کننده اصلی باشد که عبارتند از کنشگر^۹، و کنش‌پذیر^{۱۰} یا هدف^{۱۱}. کنشگر شرکت‌کننده‌ای ذاتی در بندهای مادی گذرا و ناگذر است که وقوع فعل در گرو حضور آن است؛ کنش‌پذیر نیز شرکت‌کننده ذاتی در بندهای گذراست که کنش از طریق کنشگر بر آن واقع می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۹۰).

فرایند ذهنی، فرایندی است که بر احساس، اندیشه و ادراک دلالت دارد (هلیدی، ۱۹۸۵: ۱۰۷). این فرایند ضرورتاً دارای دو شرکت‌کننده است: عنصری که احساس، اندیشه و ادراک می‌کند، که موجودی باشعور است یا باشعور پنداشته می‌شود و حسگر^{۱۲} نامیده می‌شود؛ و آنچه احساس و ادراک می‌شود یا به آن اندیشه می‌شود، که آن را پدیده^{۱۳} می‌نامند.

فرایند رابطه‌ای نیز برای توصیف و شناسایی به‌کار می‌رود و بر چگونگی «بودن» چیزها و پدیده‌ها اشاره می‌کند (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۵).

1. material process
2. mental process
3. relational process
4. behavioral process
5. verbal process
6. existential process
7. transitive
8. intransitive
9. agent
10. theme
11. goal
12. senser
13. phenomenon

فرایندهای فرعی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، سه فرایند فرعی عبارتند از فرایندهای رفتاری، کلامی، وجودی. فرایند رفتاری دربرگیرنده رفتارهای گوناگون جسمی و روانی یک موجود جان‌دار یا جان‌دار پنداشته شده است (همان: ۴۶). تنها شرکت‌کننده این فرایند رفتارگر^۱ نامیده می‌شود.

فرایند کلامی فرایندی است که با فعل‌هایی از نوع «گفتن» در ارتباط است. شرکت‌کنندگان این فرایند عبارتند از گوینده^۲ (کسی که چیزی می‌گوید)، مخاطب^۳ (کسی که خطاب به او چیزی گفته می‌شود)، گفته^۴ (آن چیزی که گفته می‌شود)، و مقصود^۵ (چیزی که گفته درباره آن بیان می‌شود) (همان: ۴۷). فرایند وجودی نیز از موجودیت و هستی (یا نیستی) یک پدیده سخن می‌گوید، و معمولاً با فعل «بودن» بیان می‌شود. تنها شرکت‌کننده این فرایند که درباره هستی (یا نیستی) آن صحبت می‌شود نیز موجود^۶ نام دارد (همان).

بررسی صفت‌های چندجزئی با درون‌داد نحوی

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، منظور از صفت‌های چندجزئی با درون‌داد نحوی، صفت‌هایی است که در تمام آنها یک سازه فعلی وجود دارد که یا ستاک حال است، یا ستاک امر است و یا متشکل از ستاک گذشته است که پسوند e- به آخر آن اضافه شده است. به سبب وجود این ستاک فعلی، و نیز بدان سبب که درون‌داد این صفت‌ها یک ساخت نحوی یعنی بند است، می‌توان آنها را در چارچوب فرآیند تجربی مورد بررسی قرار داد. برای این منظور سازه فعلی مبنای تشخیص نوع فرایند قرار گرفته است. در ادامه به معرفی انواع صفت‌های چندجزئی با توجه به نوع فرایندها و نوع و تعداد شرکت‌کنندگان و عناصر پیرامونی موجود در آنها می‌پردازیم.

صفت‌های دارای فرایند مادی

از میان صفت‌های چندجزئی که در ساختار آنها ستاک فعلی وجود دارد، بیش از ۹۰ درصد دارای فرایند مادی بودند، مانند «کارراه‌بنداز»، «آتش‌بیارمعرکه»، «سربه‌فلک‌کشیده»، و «ازپافتاده». این صفت‌ها را بر اساس تعداد و نوع شرکت‌کنندگان در فرایندها و نیز داشتن یا نداشتن عنصر پیرامونی، می‌توان در چهار گروه گوناگون جای داد که در ادامه معرفی می‌شوند.

1. behaver
2. sayer
3. receiver
4. verbiage
5. target
6. existent

صفت‌های دارای فرایند مادی با یک شرکت‌کننده اصلی

در تمام صفت‌های چندجزئی که دارای فرایند و یک شرکت‌کننده هستند، آن شرکت‌کننده حتماً هدف است. در ساختار تمام این صفت‌ها ابتدا هدف و پس از آن فرایند مادی دیده می‌شود، به جز یک مورد (ول‌کن-معامله) که این ترتیب برعکس است:

(۱) اگر گیاهخوار نیستیم، لااقل همه چیز خوار باوجدان باشیم.

هدف فرایندمادی

(۲) تلمباری از چند تکه خرت‌وپرت یتیم‌شادکن کنار دیوار اتاق نمناک ریخته بود.

هدف فرایندمادی

(۳) یک سایت کارراه‌بنداز علمی پیدا کردم.

هدف فرایندمادی

(۴) پیشنهاد می‌کنم به همزن برقی کارراه‌بنداز بگیرم که به دردتون می‌خوره.

هدف فرایندمادی

(۵) نامزدها وعده‌های دهن‌پرکنی به جوانان می‌دهند.

هدف فرایندمادی

(۶) از وقتی این کارمندهای لوس و آدم‌ضایع‌کن اومدن توی اداره ما، دیگه نمی‌شه از زیر کار در رفت.

هدف فرایندمادی

(۷) پروژه‌های چشم‌پرکن توازن ارائه خدمات شهری را از بین برده‌اند.

هدف فرایند مادی

(۸) چینی‌ها حال‌به‌هم‌زن‌ترین غذاهای دنیا رو درست می‌کنند.

هدف فرایندمادی

(۹) آنها خسته و دل‌به‌هم‌خورده از دنیای سرمایه‌داری غرب، اعتصاب کردند.

هدف فرایندمادی

(۱۰) سوپ خرچنگ از اون غذاهای دل‌به‌هم‌زن است.

هدف فرایندمادی

(۱۱) مواظب باشید به دام آدم‌های حسود و دوبه‌هم‌زن نیفتید.

هدف فرایندمادی

(۱۲) چی شده؟ حرف‌گوش‌کن شدی!

هدف فرایندمادی

(۱۳) این حرفای خورنگ‌کن رو بذارید کنار لطفاً!

هدف فرایندمادی

۱۴) سربازها این بیسکویت‌های ساقه‌طلایی را «بیسکویت خرسیرکن» می‌نامد.

هدف فرایندمادی

۱۵) دست‌های پسرچیه گل‌فروش در هوای استخوان‌خردکن زمستانی کبود شده بود.

هدف فرایندمادی

۱۶) برخورد با آدم‌های اعصاب‌خردکن کار ساده‌ای نیست.

هدف فرایندمادی

۱۷) به جرأت می‌توان گفت شاعری که شعر پاک می‌گوید، شیرپاک‌خورده است.

هدف فرایندمادی

۱۸) چرا بعضی‌ها آنقدر عصاقورت‌داده و جدی هستند، بعضی شوخ و شاد و بامزه؟

هدف فرایندمادی

۱۹) چرا این‌طور به یه خانم زل زدی؟ چشم‌دراومده! چشمتو درویش کن!

هدف فرایندمادی

۲۰) وزیر پیشنهادی دولت، از چهره‌های شناخته‌شده و امتحان‌پس‌داده است.

هدف فرایندمادی

۲۱) کتاب در شرایط کنونی جامعه ما، توسری‌خورترین کالا است.

هدف فرایندمادی

تنها در نمونه زیر هدف پس از فرایندمادی آمده است:

۲۲) کلی پرسیدیم و تو اینترنت سرچ کردیم خبری نبود، ولی ول‌کن‌معامله نیستیم.

هدف فرایندمادی

در واقع در این نمونه با یک گروه نحوی سروکار داریم که در نقش صفت ظاهر شده است.

در اغلب موارد در این صفت‌ها کنشگر به‌عنوان شرکت‌کننده در خارج از ساختار صفت در جمله وجود دارد.

برای نمونه در مثال شماره ۱۶، «آدم» کنشگر است، «اعصاب» هدف و «خردکن» فرایندمادی است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود «آدم» به‌عنوان کنشگر، در خارج از ساختار صفت «اعصاب‌خردکن» قرار گرفته

است، اما در داخل بند حضور دارد.

صفت‌های دارای فرایندمادی با دو شرکت‌کننده اصلی

در این گروه، صفت‌هایی قرار می‌گیرند که در ساختار آنها علاوه بر هدف، کنشگر نیز وجود دارد. در میان

داده‌های این پژوهش، تنها دو نمونه یافت شد که ساختارشان بدین شکل است:

۲۳) هر چه پدر آتش‌به‌جان‌گرفته بود، مادر نرم و ملایم و سنجیده بود.

کنشگر هدف فرایندمادی

۲۴) معیار شما برای انتخابش چیه؟ چی شده که تا آمده جلو شده آش دهن سوز؟
کنشگر هدف فرایند مادی

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در هر دو نمونه بالا ترتیب سازه‌ها به شکل «کنشگر- هدف- فرایند مادی» است.

صفت‌های دارای فرایند مادی با یک شرکت‌کننده اصلی و عنصر پیرامونی
در ساختار برخی از صفت‌های دارای فرایند مادی، یک شرکت‌کننده (هدف) و یک عنصر پیرامونی حضور دارد. نمونه‌هایی از این نوع صفت‌ها عبارتند از:

۲۵) رستم دست از جان شسته در آوردگاه سهراب را دید.

هدف عنصر پیرامونی فرایند مادی

۲۶) وای به روزی که افتخار ساکنین این ساختمان‌های سربه‌فلک کشیده این باشد که این‌جا روزی دریاچه ارومیه بوده‌است.

هدف عنصر پیرامونی فرایند مادی

۲۷) لیگ برتر امسال فضایی شده برای فعالیت مهره‌های پایه‌سن گذاشته.

هدف عنصر پیرامونی فرایند مادی

۲۸) مواظب باش گول حرف چهارتا آدم بادمجان دورقاب چین را نخوری.

هدف عنصر پیرامونی فرایند مادی

در تمام نمونه‌های بالا، ترتیب حضور عناصر در صفت‌ها به صورت «هدف- عنصر پیرامونی- فرایند» است. اما در نمونه زیر عنصر پیرامونی پس از فرایند مادی آمده است:

۲۹) زن عمو جمیله تو دعوها همیشه آتیش بیار معرکه‌ست.^۱

هدف فرایند مادی عنصر پیرامونی

در مثال شماره ۳۰ نیز شاهد حضور دو عنصر پیرامونی در صفت هستیم، که هدف در بین آن دو آمده است.:

۳۰) جوان تازه سر از تخم در آورده با حمایت‌های پدرش رییس کارخونه به این بزرگی شده.

عنصر پیرامونی هدف عنصر پیرامونی فرایند مادی

صفت‌های دارای فرایند مادی با یک عنصر پیرامونی

در نمونه‌های زیر تنها شاهد حضور عنصر پیرامونی در کنار فرایند مادی هستیم و هیچ یک از دو شرکت‌کننده اصلی هدف و کنشگر قابل مشاهده نیستند:

۳۱) از آب گذشته است، قابل شما رو نداره!

عنصر پیرامونی فرایند مادی

۱. در این جا نیز شاهد یک گروه نحوی هستیم که در نقش صفت به کار رفته است.

- (۳۲) شاگرد بیچاره از این جامانده‌از آن جارانده، مجبور بود فقط تأیید کند.
عنصر پیرامونی فرایند مادی عنصر پیرامونی فرایند مادی
- (۳۳) اتومبیل‌های سری جدید، از راه نرسیده باید به تعمیرگاه بروند.
عنصر پیرامونی فرایند مادی
- (۳۴) نتیجه این طرح آموزشی جدید، پرورش نسلی تنبل و از زیر کار در رو است.
عنصر پیرامونی فرایند مادی
- (۳۵) امیدواریم مذاکرات از سر گرفته شده، نتیجه‌بخش باشد.
عنصر پیرامونی فرایند مادی
- (۳۶) با مسائل پیش‌پافتاده و کوچک نباید کاری کنیم که تیم ملی لطمه بخوره.
عنصر پیرامونی فرایند مادی
- (۳۷) آیا ویژگی‌های آدم‌های جذاب و تودل‌پرو را می‌دانید؟
عنصر پیرامونی فرایند مادی
- (۳۸) یک قوطی کنسرو با در آسان‌باز شو خریدم.
عنصر پیرامونی فرایند مادی
- (۳۹) آثار به جامانده از تمدن اشکانی بسیار ارزشمندند.
عنصر پیرامونی فرایند مادی
همان گونه که مشاهده می‌شود، در تمام این صفت‌ها ابتدا عنصر پیرامونی و سپس فرایند آمده است.
- صفت‌های دارای فرایند مادی با یک شرکت‌کننده فرعی**
در مثال‌های زیر شاهد حضور یک شرکت‌کننده فرعی در کنار فرایند مادی هستیم. در تمام این صفت‌ها شرکت‌کننده فرعی پیش از فرایند آمده است.
- (۴۰) یک ناشنوای از پافتاده به حمایت جدی نیازمند است.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۴۱) جابه‌جایی مصدوم از حال رفته، باید با دقت صورت بپذیرد.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۴۲) آتش‌نشان از خود گذشته، دو کودکی که در آتش گرفتار شده بودند را نجات داد.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۴۳) با این سرویس شما می‌توانید از تماس‌های از دست رفته‌ی گوشی خود مطلع شوید.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی

- (۴۴) رشته‌های از قلم‌افتاده پیام‌نور، در دفترچه کنکور اعلام شد.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۴۵) ناسا اعلام کرد ماهواره‌های از کار افتاده در آستانه سقوط به زمین قرار دارند.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۴۶) فروش لباس‌های خارجی از مد افتاده موضوع اجتماعی جدیدی نیست.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۴۷) پسر ناامید، خسته و از نفس افتاده به خانه برگشت.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۴۸) تاروپود از هم گسیخته هویت، در طراحی لباس نمایان است.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۴۹) با رویاهای بر باد رفته ام چه کنم؟
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۵۰) رقابت‌های به تعویق افتاده مسابقات لیگ برتر، روز شنبه برگزار می‌شود.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۵۱) چیز به درد بخوری این‌جا پیدا نمی‌شه.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۵۲) انگشت کوچک پا از اعضای به درد نخور بدن است.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۵۳) تصاویر به هم ریخته را مرتب کنید تا تصویر کامل شود.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۵۴) محتوای مقاله، بررسی سه شاخه‌ی درهم آمیخته از اندیشه‌های اقتصادی است.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۵۵) پنج جوان از میان افاق درهم پیچیده خودرو بیرون کشیده شدند.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- (۵۶) در حال حاضر دو حوزه اقتصاد و سیاست خارجی درهم تنیده هستند.
شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی
- در مثال زیر علاوه بر عنصر پیرامونی، شاهد حضور شرکت‌کننده فرعی نیز هستیم:
- (۵۷) هرگونه معاشرت با افراد تازه به دوران رسیده، عذابی است بس الیم!
عنصر پیرامونی شرکت‌کننده فرعی فرایند مادی

صفت‌های دارای فرایند وجودی

در چهار نمونه زیر شاهد حضور فرایند وجودی هستیم. تمام این صفت‌ها با فعل «ماندن» ساخته شده‌اند که بیانگر فرایند وجودی است (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۳۱۱):

(۵۸) پرنده در پرف‌مانده، جز دام پر از دانه پناهی ندارد.

عنصر پیرامونی فرایند وجودی

(۵۹) آموزش کودکان در خودمانده، با روش‌های روان‌شناسی صورت می‌پذیرد.

عنصر پیرامونی فرایند وجودی

(۶۰) ده مسافر در راه‌مانده در دامغان نجات یافتند.

عنصر پیرامونی فرایند وجودی

(۶۱) نجات اسب در گل‌مانده، با سختی انجام شد.

عنصر پیرامونی فرایند وجودی

همان گونه که مشاهده می‌شود، در تمام این صفت‌ها، یک عنصر پیرامونی در کنار فرایند به کار رفته است و در هیچ کدام شرکت‌کننده حضور ندارد.

صفت‌های دارای فرایند ذهنی

در سه مورد از داده‌ها فرایند ذهنی مشاهده شد، که به همراه شرکت‌کننده اصلی (پدیده) و عنصر پیرامونی، ساختار صفت چندجزئی را تشکیل داده‌اند. در هر سه مورد نیز ترتیب قرار گرفتن این سازه‌ها به شکل «پدیده - عنصر پیرامونی - فرایند ذهنی» است:

(۶۲) از آدم‌های خودبزرگ‌بین اصلاً خوشم نمی‌آد.

پدیده عنصر پیرامونی فرایند ذهنی

(۶۳) می‌گویند اروپایی‌ها خودبرترین و مغرور هستند.

پدیده عنصر پیرامونی فرایند ذهنی

(۶۴) من از این دخترهای خودداف‌پندار نیستم‌ها!

پدیده عنصر پیرامونی فرایند ذهنی

صفت‌های دارای فرایند کلامی

در سه صفت زیر فرایند کلامی قابل مشاهده است، که در دو مورد «گفته»، و در یک مورد نیز «مخاطب» در کنار فرایند حضور دارد؛ و در هر سه نمونه نیز فرایند در انتها آمده است:

(۶۵) زنش دلش هوس طواف کعبه کرد، او هم از خدا خواسته لبیک گفت.

مخاطب فرایند کلامی

۶۶) آدم‌های حرف‌مفت‌زن اطراف ما زیاد هستند.

گفته فرایند کلامی

۶۷) به راستی چرا همیشه چوب لای چرخ کارمندی که بله‌قربان‌گو نیست می‌گذارند؟!

گفته فرایند کلامی

صفت‌های چندجزئی دوگانه

برای ساخته شدن بعضی از صفت‌های چندجزئی، هم از درون‌داد صرفی استفاده شده است و هم از درون‌داد نحوی. به بیان دیگر، در این صفت‌ها یک اسم مرکب عطفی (به‌عنوان سازه صرفی) در کنار ستاک فعل قرار می‌گیرد، و این مجموعه با هم در حکم سازه نحوی (بند) عمل می‌کنند که درون‌داد این صفت‌ها به‌شمار می‌رود. از این رو این صفت‌ها دوگانه در نظر گرفته شده‌اند. برای نمونه، ساخت اصل و نسب‌دار به شکل زیر قابل بازنمایی است:

[اصل +و+ نسب] ۱دار ۲

نمونه‌های دیگری از صفت‌های چندجزئی دوگانه در مثال‌های زیر ارائه شده‌اند:

۶۸) مقررات جدید و دست‌وپاگیر، سد راه ورود دانشجویان خارجی به کشور است.

هدف فرایند مادی

۶۹) دایی مهدی لاغر و عینکی بود و کمی هم حرص و جوش‌خور.

هدف فرایند مادی

۷۰) محققان می‌گویند مهربانی و دست‌ودل‌پاز بودن زمینه‌ی ارثی دارد.

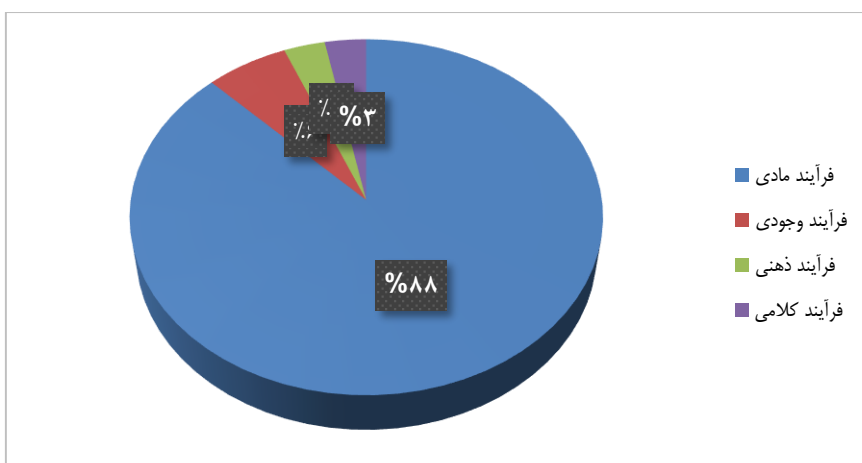
هدف فرایند مادی

نکته قابل توجه در این صفت‌ها این است که در تمام آنها فرایند مادی به همراه شرکت‌کننده هدف وجود دارد، که پیش از فرایند آمده است.

نتیجه‌گیری

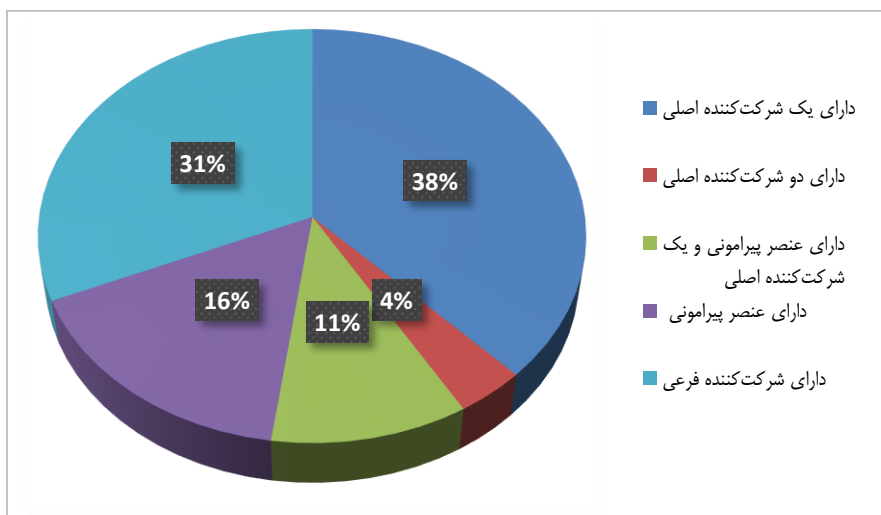
در پژوهش حاضر پس از گردآوری و بررسی صفت‌های چندجزئی با درون‌داد نحوی، انواع فرایندهای موجود در آنها بر اساس دستور نقش‌گرای سازگانی هلیدی مورد تحلیل قرار گرفت و مشخص شد که فرایند غالب در آنها فرایند مادی است که ۸۸ درصد نمونه‌ها را شامل می‌شود. در نیمی از آنها نیز شرکت‌کننده اصلی حاضر «هدف» بود، که یا به تنهایی، و یا در کنار کنشگر و یا عنصر پیرامونی حضور داشت. در ۶ درصد از باقی‌مانده صفت‌ها فرایند وجودی، در ۳ درصد فرایند ذهنی و در ۳ درصد نیز فرایند کلامی مشاهده شد. در هیچ‌کدام از این صفت‌ها فرایندهای رابطه‌ای و رفتاری به کار نرفته است. تمام صفت‌های چندجزئی دوگانه نیز

دارای فرایند مادی بودند و شرکت‌کننده هدف نیز در همه آنها حضور داشت. نمودار زیر فراوانی فرایندهای موجود در صفت‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد:



نمودار ۱: درصد فراوانی فرایندهای موجود در صفت‌های چندجزئی

از سوی دیگر، صفت‌های چندجزئی دارای فرایند مادی با توجه به تعداد و نوع عناصر غیر فعلی موجود در آنها به انواع گوناگونی دسته‌بندی شدند که میزان فراوانی هر کدام در نمودار زیر قابل مشاهده است:



نمودار ۲: درصد فراوانی عناصر موجود در صفت‌های دارای فرایند مادی

نکته قابل توجه در مورد صفت‌های چندجزئی با درون‌داد نحوی این است که به جز در «آتیش‌بیارِ معرکه» و «ول کن معامله»، در سایر صفت‌ها سازه فعلی که فرایند را بازنمایی می‌کند، آخرین عنصر سازنده است و در پایان آمده است. شاید این امر را بتوان هم‌سو با توالی بی‌نشان سازه‌های جمله در فارسی دانست که بر اساس آن، در بسیاری از موارد فعل در جایگاه پایانی قرار می‌گیرد.

منابع

- آفتابی، سیده زهره (۱۳۹۰)، *بررسی واژه‌سازی پس‌نحوی در فارسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه الزهرا (س).
- خدری، نجمه (۱۳۹۱)، *بررسی سازوکار تغییر ساخت‌گذاری در فعل‌های گروهی فارسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه الزهرا (س).
- ساسانی، فرهاد (۱۳۷۶)، *بررسی صفت در مقایسه با دیگر مقولات واژگانی زبان فارسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۰)، «آیا مقولات واژگانی برچسب‌های ثابتی دارند؟ پیوستارنگری کیهانی»، *مجله زبان‌شناسی*، سال شانزدهم، ش ۲، ۹۹-۷۳.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹)، *معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*، تهران: نشر علم.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۹۴)، «فعل در فارسی»، در *جشن‌نامه دکتر محمدرضا باطنی*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- قمرزاده، میترا، و مرضیه صنعتی (۱۳۹۶)، «بررسی گروه اسمی مفعولی در زبان فارسی از منظر دستور نقش‌گرای هلیدی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۱۵۶-۱۳۵.
- مهاجر، مهران، و محمد نبوی (۱۳۹۳)، *به سوی زبان‌شناسی شعر*، تهران: آگه.
- Halliday, Michael A. K. (1978), *Language as Social Semiotic: The Social Interpretation of Language and Meaning*, London: Arnold.
- Halliday, Michael A. K. (1985), *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward Arnold.
- Halliday, Michael A. K. & Christian M.I.M. Matthiessen (2014), *An Introduction to Functional Grammar*, 4th ed. London & New York: Routledge.